

نقدی بر مقاله‌ی

«حافظ و منظومه‌ی شمسی»

حاتم نادری - ابهر

□ در مقاله‌ی «حافظ و منظومه‌ی شمسی» در ماهنامه‌ی شماره‌ی ۵۹ از آن جایی که پای معنی و مفهوم بیت و غزل شاعر و عارفی چون خواجه‌ی شیراز در میان است، به یقین آقای دکتر هوشنگ بدیعی (نویسنده‌ی محترم مقاله‌ی مزبور) اجازه‌ی نقد و بررسی مقاله‌ی خودشان را به ما خواهند داد.

۱- در آغاز بیتی آورده شده که مصراع دوم آن سکنه دارد؛ چون وزن غزل در بحر هزج مثنی‌سالم (مفاعیلین - مفاعیلین - مفاعیلین) است پس کلمه‌ی طرح باید (طرحی) باشد.

۲- (عطار) را ممکن است به خاطر نزدیکی به خورشید سمبل بزرگی بنویسند، اما در این بیت عطار د سمبل یا رب النوع کتابت، سخنوری، کوکب دیوانیان و مترسلان است، و دبیر فلک و دانش هم خوانده می‌شود. زیرا مصراع دوم «عقل کل چاکر طغراکش دیوان تو باد» مؤید آن است.

۳- در بیت: ز چنگ زهره شنیدم که صبح دم می‌گفت
غلام حافظ خوش لهجه (۴) خوش‌آوازم
در بین لهجه و خوش هجای کشیده‌ی (و) باید نوشته شود.
(دُر سفتن در این باریکی هاست.)

۴- در بیت مثالی، ای کاش بعد از تشریح خصوصیات فیزیکی سیاره مطلب تمام می‌شد، تا در ادامه انگ خرافاتی بودن خواجه حافظ زده نمی‌شد. نویسنده‌ی مقاله به استناد به بیت:
بگیر طره‌ی مه‌طلعتی و قصه مخوان

که سعد و نحس به تاثیر زهره و زحل است نوشته‌اند: «حافظ زحل را علی‌رغم زیبایی و سمبول کشاورزی بودن، معتقد به نحس بودن آن است.» ایشان هر مصراع از بیت را مستقل معنی کرده و از معنی اصلی منحرف شده‌اند. باید گفت که نه این بیت مؤید خرافاتی بودن حافظ است و نه ابیات دیگر او. معانی ابیات حافظ بسیار روشن است، فقط مستلزم اشتیاق و تعمق من و شماست. سهل‌انگاری و سطحی‌نگری رشته‌ها را پنبه می‌کند. این مثال خطاب به نویسنده‌ی محترم است: اگر شما مدرسی باشی و شاگرد گریزی پای کلاس‌ات را تصادفاً در گذر یا رستورانی ملاقات کنی و جویای حال و کار او باشی و اگر در جواب بگویی: قسمت این بود درس

نخوانم و ترک تحصیل کنم. آیا شما خواهید گفت: بله، قمر تو در عقرب است، درس خواندن قسمت تو نبوده! تو باید در کنار خیابان سیگارفروشی کنی؟! یا خواهید گفت: راه دانشگاه را بگیر و رهاش نکن و قصه هم چرنده که این قسمت بود، آن نبود؛ این سعد بود، آن نحس. خواجه می‌فرماید: سعد و نحس سیارات و ستاره‌ها قصه است، و حقیقت ندارد، ایشان با منجمان هم عصرش که علم نجوم را به خرافات کشیده بودند موافق نبود.

مصراع اول این بیت چنین است «بگیر طره‌ی مه‌طلعتی» بقیه مربوط به مصراع دوم است، وزن شعر ایجاب می‌کند که بخشی از مصراع دوم در مصراع اول آورده شود. از لحاظ بیان، معنی، صنعت به تحلیل بیش‌تری نیازمند است. گاهی باید در مقالی به همت فاضلی مقامی باید اندر مدینه‌ی فاضله.

۵- مباحث ۷، ۸ و ۹ در ستون اول صفحه‌ی ۵۷ خارج از بحث حافظ است.

۶- بیت: تو بدری و خورشید تو را بنده شده است
تابنده شدت! تابنده شده است
مصراع دوم بیت نمی‌دانم در کدام نسخه چنین آمده، ولی در نسخه‌های معتبر «تابنده شدت! تابنده شدت» آمده در قالب و لحن روان‌تر و صحیح‌تر است.

۷- بیت: ماه و خورشید به منزل چو به امر تو رسند
یار مهر روی مرا نیز به منزل برسان!
برداشت مصحح از این بیت درست نبوده و شاید از تعریف شعر فقط تکرار کلمات را می‌دانسته که خواسته کلمه‌ی منزل را در مصراع دوم تکرار کند. اکنون بیت را در دو شکل معنی می‌کنیم:
الف. پای طنز در میان است لذا استغفار باید کرد. شاعر خوش‌سلیقه پس از معاشرت و معاشقه با یار مهر او از برادران خشن‌اش ترسیده وی را همراهی نکرده! به امان خدا رها کرده و این جمله را می‌گوید: ای کسی که ماه و خورشید به امر تو به منزل می‌رسند، یار مهر روی مرا هم به منزلش برسان، صورت خوش ندارد من را به همراه او ببینند!

ب. ای کسی که ماه و خورشید به اراده و امر تو به منزل می‌رسند، یار مهر روی مرا هم به من برسان. حالت استغاثه و دعا دارد که به یار برسد پس مصراع دوم چنین است: «یار مهر روی مرا نیز به من باز رسان.» ■

منابع

دکتر رشید عیوضی، دکتر محمدرضا برزگر خالقی، علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، سیر اختران سرفراز غزنی، مقاله‌های مندرج در مجله‌ی نجوم.